



امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد، حج و اوقاف

ریاست ارشاد و انسجام مساجد



موضوع خطابت روز جمعه و

تقریر و بیان تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات

به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد.

۱۷/شعبان المعظم/۱۴۴۴هـ ق مطابق ۱۹/حوت/۱۴۰۱هـ ش

مقام و مرتبه امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، رضينا بالله رباً، وبالإسلام ديناً، وبمحمد صلى الله عليه وسلم نبياً، وبأبي حنيفة مذهباً واماماً. أما بعد:

نام تاج الائمه وسراج الامة امام اعظم ابوحنيفه رحمه الله نعمان ونام پدر وی ثابت ونام جد او زوطی است، واسم کنیه وی ابوحنيفه ولقب آن امام اعظم بود که در سال (۸۰) هجری در عراق در شهر کوفه تولد شده است ودر سال (۱۵۰) هجری از دنیا رحلت نموده است، قبر مبارک وی در شهر اعظمیه در قبرستان خیزران میباشد که شهرت جهانی دارد.

امام ذهبی میگوید: امام اعظم صاحب در سال (۱۵۰) هجری قمری توسط زهر به شهادت رسانیده شده. [اعلام النبلاء] امام اعظم ابوحنيفه رحمة الله عليه در اسلام یکی از بزرگترین ائمه به شمار میرود، مؤسس وبنیان گذار مدرسه عراق بوده است. امام اعظم ابوحنيفه رحمة الله عليه نسبت به ائمه سه گانه علماً و سناً بزرگ بود.

بعضی تاریخ دانان مینویسند، که نیاکان امام ابوحنيفه رحمه الله از منطقه پروان از قریه خواجه سیاران ویا استرغج بود که نیاکان آن از کابل به کوفه رفته اند.

خطیب بغدادی در تاریخ بغداد نوشته کرده است: که اسماعیل فرزند حماد ونواسه امام اعظم رحمه الله بود وگفته است: قسم به خداوند که خاندان ما هیچ وقت سیری و فراحی را ندیده بودند، پدرکلان من در سال (۸۰) هجری تولد شده وپدر کلان من ثابت در طفولیت با حضرت علی کرم الله وجهه ملاقات نموده وحضرت علی رضی الله عنه او واولاد وی را دعای خیر کرده است وما امید واریم که الله تعالی دعای حضرت علی رضی الله عنه را درحق ما قبول کرده باشد. [تاریخ بغداد].

وجه ملقب شدن نعمان ابن ثابت به امام اعظم ابوحنيفه رحمه الله ویا(ابوحنيفه):

در این باره اقوال مختلف ثابت است. (۱) قول اول: این است که حنیفة مؤنث حنیف است ومعنی حنیف این است (المسلم المائل الي الدين الحنیف) و علامه ابن قیم رحمه الله چنین معنی کرده است (المقبل علي الله المعرض عن سواه) وهمچنان بیان قرآن کریم اینطور است (فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ اِبْرٰهِيْمَ حَنِيفًا). و کلمه (أبو) دراینجا معنی ملازم ویا صاحب را افاده میکند ومعنی این میشود که امام صاحب ملازم ملت ابراهیم ویا مائل وهمچنان مقبل میباشد، یعنی بر ملت ابراهیم مائل بوده از این جهت حنیفة مخفف از ملت حنیفی است .

قول دوم:- این است که در لغت و زبان اهل عراق (حنیفة) سیاهی بوتل را گفته میشود و معنی (ابو) ملازم و صاحب است از این جهت امام صاحب ملازم سیاهی بوتل است زیرا که امام صاحب با وسائل علمی تعلق بیشتر داشت از این رو به ابو حنیفه رحمة الله علیه شهرت داشت. (عقود الجمان)

قول سوم: این است که حنیفه نام دختر امام صاحب بود، معنایش این است که پدر حنیفه است، و به این اسم کنیه شده است و این قول ضعیف است زیرا امام ابوحنیفة بجز از حماد دیگر اولادی نداشت به اتفاق تمام اصحاب مناقب و سیرت (عقود الجمان).

صورت و سیرت امام اعظم ابوحنیفه رحمة الله علیه:

امام ابو یوسف رحمه الله میفرماید؛ که امام ابوحنیفه رحمه الله قد در میانه داشت، نه بسیار بلند و نه کوتاه بود او در بین انسانها صاحب صورت زیبا بود، در صحبت خود صاحب بلاغت بود که مقصد و مراد خود را به طریقه درست تعبیر میکرد و در بیان خود صاحب وضاحت بود و مجلس او بسیار خوشایند بود.

عبدالله ابن مبارک و فضل بن دکین رحمهما الله میگویند که امام ابوحنیفه صاحب صورت، لباس، و پیزار زیبا بود. صاحب هیبت، و رعب زیاد بود. [عقود الجمان]

حماد بن ابی حنیفة رحمهما الله میگوید: که امام ابو حنیفة رحمه الله در استعمال عطریات و خوشبوئی شهرت داشت، وقتیکه از خانه بیرون میشد یا به خانه می آمد قبل از اینکه او را کسی ببیند خوشبوئی او را احساس میکرد، در باره شناخت خوشبوئی او، ابو مطیع رحمه الله میگوید: که در روز جمعه امام ابوحنیفه رحمه الله را دیدم که یک چادر و قمیص برتن داشت که قیمت آن چهارصد درهم بود.

سعید ابن منصور میگوید: که فضیل ابن عیاض میگفت: که امام ابوحنیفه رحمه الله یک شخص فقیه بود که در فقاقت، دانش و تقوای خود مشهور و صاحب مال فراوان بود، او در سخاوت مندی شهرت داشت، هرکس که به نزد او می آمد یک چیزی برای او میداد، در تحصیل علم صاحب صبر زیاد بود، در شب و روز بسیار کم صحبت میکرد، شخصیت آرام و از لحاظ گفتار شخص کم حرف بود. تا اینکه هر وقتیکه مسأله حلال و حرام پیش می آمد بسیار خوب به حق جواب دهنده بود و از اخذ تحایف پادشاهان خود داری میکرد. [تبیض الصحیفة]

معافی ابن عمران موصلی یک وقت در حلقه درسی خود نشست که بود و در مورد تعلیم و تعلم صحبت میکرد و در جریان صحبت خود گفت: که در امام ابوحنیفه رحمه الله ده صفت طوری است که اگر یکی از آنها در کسی موجود شود او سردار قبیله خود میباشد:

- (۱) پرهیزگاری .
- (۲) صداقت .
- (۳) عفت (پاک دامنی)
- (۴) با مردم لحاظ و مدارا کردن .
- (۵) صادقانه محبت کردن .
- (۶) به سخنان سودمند توجه کردن .
- (۷) خواب های صادق .
- (۸) درست و سنجیده سخن گفتن .

(۹) بیشتر وقت خاموش بودن.

(۱۰) مردم عاجز را کمک کردن برابر است که دوست باشد یا دشمن.

امام اعظم رحمة الله عليه تابعی جلیل القدر بود:

امام اعظم ابوحنیفه رحمة الله آن تابعی جلیل القدری بود که با بسیار از اصحاب کرام را ملاقات نموده بود، او عالم مشهور، متواضع و شخصیت کامل بود.

امام صاحب در زمانه ای پیدا شد که جماعت‌های بزرگی از صحابه موجود بودند و این از جمله آن اهل قرون است که نبی علیه السلام به بهتریت و عدالت آنها گواهی داده است.

امام ابوحنیفه رحمة الله تابعی است بعضی صحابه هارا دیده است و از آنها سماع هم کرده است، یک جماعتی از مصنفین در مناقب امام صاحب گفته اند: که امام صاحب از هشت صحابه مرد و از یک صحابه زن سماع کرده است و بعضی گفته اند که از هفت مرد و یک زن سماع کرده است، بعضی گفته اند که از شش مرد و یک زن و بعضی گفته اند از پنج مرد و یک زن و بعضی زیاد نشان داده اند، به طور اجمالی نامهای چند آنها را یاد آور میشویم.

(۱) از حضرت انس بن مالك المتوفى س ۹۳ هـ .

(۲) از حضرت عمرو بن حريث المتوفى س ۵۸۵ هـ .

(۳) از حضرت ابوظيفيل عامر بن وائلة المتوفى س ۱۰۲ هـ .

(۴) از حضرت السائب بن يزيد المتوفى س ۹۹ هـ .

(۵) از حضرت عبدالله بن بسرعه المتوفى س ۹۶ هـ .

(۷) از حضرت محمود بن الربيع المتوفى س ۹۹ هـ .

(۹) از یک زن حضرت عائشه بنت عجرد.

همچنان از عبدالله ابن انيس، عبدالله ابن حارث الزبيدي، جابر ابن عبد الله، معقل بن يسار، سائب ابن خالد و محمود ابن لبید رضی الله عنهم سماع کرده است.

امام ابوحنیفه رحمة الله عليه در زمان خود از تابعین، محدثین و فقهای بزرگ علم را آموخته بود، که شمار استاتید آن به چهار هزار میرسد که از جمله امام حماد بن ابی سلیمان، امام نافع مولی ابن عمر، امام زید بن علی، امام جعفر صادق، مفتی مکه مفتی عطاء بن ابی رباح، امام نخعی، امام علقمه، امام ثوری قابل یادآوری است.

امام اعظم ابوحنیفه رحمة الله عليه امامان و مجتهدین بزرگی را تربیه کرده که هرکدام در زمان خود مرجع علم، فتوا، قضاء و تقلید بودند.

امام اعظم ابوحنیفه رحمة الله در بین ائمه اربعه بزرگ و در امت اسلامی مجتهد ممتاز بود، مذهب حنفی یگانه مذهبی است که در دوران خلافت عثمانی در تمام قلمرو امت اسلامی (۶۰۰) حکم و فیصله کرده است همچنان در دوران خلافت مغولی ها مذهب رسمی بود، از این جهت مذهب حنفی نسبت به دیگر مذاهب در جهان پیروان زیاد دارد.

همچنان امام ابوحنیفه رحمة الله عليه یگانه شخصی بوده که (۵۵) بار به مکه مکرمه و مدینه منوره سفر نموده بود، کسی برایش گفت: که چرا شما اینقدر حج میکنید وی در پاسخ گفت: هدف من فقط ادای حج نیست بلکه میخواهم همراهی

علمائیکه به مکه مکرمه و مدینه منوره تشریف می آورند از جمله؛ شام، مصر و کشورهای دیگر نشست و صحبت همراهی ایشان داشته باشم تا آنکه احادیث و مسائلی از پیامبر صلی الله علیه وسلم برایم برسانند.

بشارت قرآن کریم واحادیث نبوی در مورد امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله:

بشارت قرآن وحدیث در رابطه به امام ابوحنیفه رحمه الله علیه وبشارت رسول الله صلی الله علیه وسلم یک معجزه آشکار است.

الله تعالی میفرماید: (وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ) جمعه: (۳). ترجمه: هنوز به ایشان نپیوسته اند و بعداً بدنیا می آیند.

در یک آیه مبارکه می آید: (وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ) محمد: (۳۸)

ترجمه :- واگر شما از اطاعت الله روی بر گردانید گروه دیگری را بجای شما می آورد باز آنها همانند شما نخواهند بود.

شبیر احمد عثمانی صاحب تفسیر کابلی در تحت این دو آیت نوشته است: هزاران عالم پیشگوئی کرده اند که این آیت بشارت است از برای امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله .

امام ابوحنیفه رحمه الله علیه منظور شده قرن خود است که رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد آن چنین فرموده است: (إِنَّ خَيْرَكُمْ قَرْنِي ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ..). مختصر صحیح مسلم للمندري

ترجمه :- بهترین مردم زمانه، مردم زمانه من است، بعد از آن کسانی که پشت سر آن می آیند، یعنی تابعین. باز کسانی که بعد از آن می آیند یعنی تبع تابعین.

همچنان در حدیث شریف آمده است: (لو كان الدين عند الثريا لذهب به رجل من فارس - أو قال : من أبناء فارس - حتى يتناوله). أخرجه البخاري ومسلم والترمذي.

ترجمه :- اگر دین در ثریا باشد خواه مخواه میرود به آن مردی از اهل فارس و یا از فرزندان فارس تا آنکه آن را بدست بیاورد.

از لابلای دو حدیث فوق دانسته شد که مردی از اهل فارس در خیر القرون امام ابوحنیفه رحمه الله علیه دین را مرتب نموده است فقط و فقط امام ابوحنیفه رحمه الله علیه بوده و همچنان ملازمت همیشگی آن به دین حنفی به زبان خاص و عام در هر زبان امام صاحب را لقب ابوحنیفه داده شده است.

امام سیوطی مصداق این حدیث صحیح را: { لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ عِنْدَ الثُّرَيَّا لَذَهَبَ بِهِ رَجُلٌ مِنْ أُمَّةٍ فَارِسَ حَتَّى يَتَنَاوَلَهُ } امام ابوحنیفه شمرده است و میگوید: که در این حدیث صحیح به فضیلت ابوحنیفه رحمه الله اشاره داده شده است. (ردالمحتار).

شیخ الحدیث علامه خلیل احمد سهارنپوری میگوید: که رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد امام ابوحنیفه رحمه الله علیه در این حدیث بشارت داده است که ابونعیم در الحلیه از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده میگوید: که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است : (لو كان العلم بالثريا لتناله رجال من ابناء فارس). حلیة الأولیاء

ترجمه:- اگر علم در ستاره ثریا بسته شده باشد، مردانی به آن خود را میرسانند که از جمله فرزندان فارس میباشند. در این هیچ شک نیست که مراد از آن امام ابوحنیفه است چرا که رأی تعداد زیادی از محدثین این است که در این حدیث بشارت و خوشخبری در باره امام ابوحنیفه داده شده است.

فضیلت و مقام ابوحنیفه رحمه الله به اندازه است که در مناقب او کتابهای نوشته شده است که اکثر آن را پیروان مذهب شافعی نوشته اند.

خواب امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله:

در یک روایت آمده است که امام اعظم رحمه الله فرمودند: شبی خواب دیدم که مرا زیاد پریشان کرد، خواب دیدم که من قبر رسول الله صلی الله علیه وسلم را باز میکنم، به بصره رفتم و یک شخصی را گفتم که برو به نزد امام محمد ابن سیرین و از او تعبیر این خواب را پرسان کن و او به نزد امام سیرین رفت و خواب را به او بیان کرد، امام ابن سیرین در تعبیر این خواب گفت: بیننده این خواب احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم را باز میکند. [سیر اعلام النبلاء]

امام ابوحنیفه رحمه الله صد بار الله جل جلاله را در خواب دیده است امام ابوحنیفه رحمه الله میگوید: من رب العزت را یک کم صد بار در خواب دیده ام؛ با خود این فیصله را کردم که اگر بار صدم در خواب دیدم من خواه مخواه از رب العزت این سوال را میکنم که این مخلوق تو در روز قیامت بواسطه چه چیزی نجات پیدا میکند؟ باز بار صدم او را در خواب دیدم و از الله تعالی سوال کردم؟

(یا رب عز جلالک و جل ثناؤک و تقدست اسماءک) به چه چیزی مخلوق تو در روز قیامت از عذاب نجات پیدا میکند، الله سبحانه و تعالی فرمود: هرکس این کلمات ذیل را صبح و شام بخواند از عذاب من محفوظ می باشد: (سبحان الله الابد الابد سبحان الله الواحد الاحد سبحان الله الفرد الصمد سبحان الله رافع السماء بغیر عمد سبحان من بسط الارض علی ماء جمد سبحان من قسم الرزق ولم ینس احداً سبحان من خلق الارض فاحصاهم عدد سبحان من لم یتخذ زوجة ولا ولداً سبحان الله الذي لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد). [عقود الجمان]

ایجاد شورای فقهی:

امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله کسی بود که در تاریخ اسلام اولین بار برای تحقیقات علمی و فقهی و تدوین در آن وقت از علمای برجسته و فقهها؛ شورای چهل نفره فقهی را ایجاد کرد و فقه حنفی را برای اولین بار تدوین کرد، علماء نوشته اند مسائل تصویب شده که از طرف شورای متذکره شمار آن از (۱۲۷۰۰۰۰) دوازده صد و هفتاد هزار، زیاد بود بناً گفته شده که تدوین فقه حنفی برای اولین بار همراهی شورا صورت گرفته است که این فضیلت و برتری برای دیگر فقها حاصل نیست. ابوبکر صدیق رضی الله عنه اولین بار قرآن کریم را تدوین کرد و امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله اولین بار فقه را تدوین کرد.

عبادت امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله:

امام ذهبی رحمه الله واقعات ذیل را در کتاب مشهور خود سیر اعلام النبلاء ذکر کرده است.

امام ابو یوسف رحمه الله علیه میگوید: امام اعظم صاحب در هر شب تمام قرآن کریم را در یک رکعت ختم میکرد.

یحیی بن عبدالحمید حماني رح از پدر خود روایت میکند که او گفت: من شش ماه با امام ابوحنیفه رحمه الله علیه همراه و رفیق بودم من دیدم که به وضوی خفتن نماز صبح را اداء میکرد و هر شب قرآن کریم را ختم میکرد.

در یک روایت آمده است که امام اعظم صاحب قرآن کریم را (۷۰۰۰) مرتبه ختم کرده است. قاسم بن معن رح میگوید: که امام ابوحنیفه رحمه الله یک شب به نماز ایستاده شده و این آیت را تکرار میکرد: {بَلِ السَّاعَةِ مَوْعِدُهُمْ، وَالسَّاعَةُ أَذْهَى وَأَمْرٌ [الْقَمَرُ: ٤٦]} و به آن گریه میکرد و تا صبح به پروردگار عاجزی و تضرع میکرد. امام مزی رح در تهذیب الکمال نوشته کرده است: که امام ابوحنیفه رحمه الله چهل سال به وضوی خفتن نماز صبح را اداء کرده است، همه قرآن کریم را در یک رکعت ختم میکرد. در یک روایتی آمده است که امام ابوحنیفه رحمه الله در جائیکه وفات شد در آنجا هفتاد هزار مرتبه (۷۰۰۰۰) قرآن را ختم کرده است. [تهذیب الکمال]

سخاوت و تقوای امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله:

خطیب بغدادی در تاریخ بغداد نوشته کرده است: که امام صاحب هنگامیکه به قصد تجارت به بغداد رفت وقت باز گشت همراه با منفعت و افری به کوفه آمد، پس (فیشتری بها حوائج الاشياخ من المحدثين قوتهم وکسوتهم وجميع حوائجهم فيقول أنفقوا في حوائجكم ولا تحمدوا إلا الله فاني ما أعطيتكم من مالي شيئاً) یعنی به آن منفعتیکه به دست آورده بود حوائج، خوراک، لباس و دیگر ضروریات محدثین و مشایخ را خریداری نموده و برای آنها میگفت: این (باقی مانده آن منفعت) را بگیرید و بر ضروریات خود مصرف نمائید، بجز الله تعالی دیگر صفت هیچکس را نکنید من از مال خود به شما چیزی نداده ام.

یک جوان به نزد ابوحنیفه رحمه الله آمد و گفت: ای جناب برای من یک جوهره لباس خوب ضرورت است، چقدر خوب است که شما با من احسان کنید به اساس انسانیت همراه من کمک کنید؛ چرا که آماده گی عروسی من است، من میخواهم در این در مراسم یک لباس خوب بپوشم که نزد خسران خود سر بلند باشم، امام صاحب برایش گفت: ده ویا پانزده روز صبر کن بعد از پانزده روز آن جوان باز آمد، امام صاحب یک جوهره لباس قیمتی را به او بخشید که قیمت آن در آن وقت بیست دینار بود و به آن شخص یک دینار نقد هم داد، جوان وقتیکه از امید خود بالاتر تحفه قیمتی و دینار نقد را دید حیران شد؛ امام صاحب به حیرانی او فهمید و به او گفت: در این کار چه حیرانی است؟ گفت: این مال خودت است، جریان از این قرار است که من از طرف خود اموال تجارتی بنام تو به بغداد روان کردم وقتیکه او بفروش رسید کدام مفادیکه از آن بدست آمد از آن یک جوهره لباس برای خریداری کردم و یک دینار آن باقی ماند که آن را برای دادم، حصه و نصیبی من هم بدست آمد. برادر من اگر تو این سوغات را میگیری خوب و گر نه این لباس را میفروشم و همراه با یک دینار از طرف تو صدقه میکنم.

همچنان حفص ابن غیاث رح همراه امام ابوحنیفه رحمه الله در یک کاربار شریک بود، یک مرتبه امام صاحب مال تجارتی را به اوداد و به بیرون فرستاد و در باره یک مال صفات آنرا به او گفت: که این مال عیبی است وقتیکه کسیکه این را میخرد به خریدار به صفت مال عیبی بفروش تا او از عیب آن خبر شود با وجود این وضاحت و تأکید حفص ابن غیاث در وقت فروش آن مال این سخن را فراموش کرد، بعد از آن امام صاحب از آن پرسید که آن مال را به کی فروختی؟ و خریدار هم به یاد او نیامد؛ و حفص ابن غیاث تمام قیمت اموال فروخته شده را آورد و به امام صاحب تسلیم کرد و اشتباه خود را هم پذیرفت. بعد از این واقعه فوراً امام صاحب همراه او تجارت مشترک را خاتمه داد. حفص ابن غیاث که اموال تجارتی را به قیمت سی هزار دینار فروخته بود همه آن را امام اعظم صاحب در راه الله جل جلاله تقسیم کرد و به این طریق ازال مشتبّه خود را نجات داد.

یک بار در کوفه یک بزغاله غصب شده بود و امام صاحب از آن خبر شد و از مردم تحقیق کرد که عمر این بزغاله چقدر میشود؟ اتفاق آراء به این شد که عمر آن بزغاله هفت سال پوره بوده و گوشت آن را تا هفت سال پوره خورده نشود. [الخیرات الحسان]

امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله و احترام آن به دیگران :

امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله علیه آن چنان شخصیت بزرگ بود که صاحبان مذاهب دیگر را به نظر ارج مینگریست اگر چه با ایشان در مسائل مخالف بود.

امام اعظم رحمه الله علیه روش خاص داشت که مخالفین خود را بامنطق و دلیل بسوی خود فرا میخواند و هیچ گاه تصمیم نداشت که جانب مقابل خود را بر اساس فشار و تحمیل بالای وی غالب شود .

از همین خاطر فرزند خود حماد را از مناظره کردن منع کرد که در مناظره شخص تلاش میکند که جانب مقابل خود را مغلوب بسازد از همین خاطر بین علماء بغض و کینه پیدا میشود و احترامیکه میان علماء است ازهم می پاشد . (یا حماد دع الکلام) [مناقب أبي حنيفة للمكي]

امام اعظم امام ابوحنیفه رحمه الله علیه هیچ گاه نظر خود را بالای دیگران و حتی بالای شاگردان خویش تحمیل نمی کرد و درحالیکه بانظر آنها احترام داشت .

ازهمین جهت است در فقه حنفی موارد وجود دارد که در یک موضوع ابویوسف ، محمد بن حسن بن زیاد رحمه الله علیهم اجمعین همراه استاد خود در نظر مخالفت کرده است و این دلیل آشکار است که امام ابوحنیفه رحمه الله علیه به نظر دیگران احترام قایل بودند .

همچنان امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله علیه به صاحبان مذاهب دیگر احترام داشتند که ایشان را شامل مورد مشورتی فقهی می نمودند که اکثر ایشان سهمی خاص اجتهادی داشتند .

امام در اوردی رحمه الله میگوید که امام ابوحنیفه و امام مالک رحمه الله علیهما در مسجد نبوی هردو را دیدم که پس از ادای نماز مذاکره علمی می نمودند تا این حدیکه هردو یکی بر سخن دیگری ایستادگی میکردند و بر آن عمل مینمودند و توقف میکردند از گفتن این سخن که تو برخطائی یایکی از دیگر تأسف کنند تا حدیکه نماز صبح را در همانجا اداء کردند. [أخبار أبي حنيفة للصيمري]

کمک کردن به حاکم وقت:

در این ارتباط نظر امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله علیه موافق به نظر دیگر اهل سنت والجماعت بود.

امام ابوحنیفه رحمه الله علیه این عقیده را داشت که اطاعت از حاکم مسلمان و امیر واجب است تا وقتیکه از او کفر صریح صادر نشود باید با او کمک کرده شود و قیام کردن در مقابل حاکم مسلمان حرام است.

طوریکه رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: (اسمعوا وأطيعوا إلا أن تروا کفراً بواحاً عندکم من الله فیه برهان). متفق علیه

ترجمه:-- سخن حاکم را بشنوید و از وی اطاعت کنید مگر اینکه ببینید از وی کفر بواح را و در جنگ همراهی وی باشما دلیل آشکار موجود باشد.

(ولا نرى الخروج على أئمتنا وولاية أمورنا وإن جاروا، ولا ندعو عليهم، ولا ننزع يداً من طاعتهم). [الطحاوی]

ترجمه:- ما قیام کردن را در برابر حاکمان و امامان جائز نمی شماریم اگر چه آنها ظلم هم بکنند و ایشان را دعای بد هم نمی کنیم و مردم را بر علیه ایشان نمی شورانیم و از اطاعت آنها دست بردار نمی شویم .

به نزد امام ابوحنیفه رحمه الله علیه قیام در مقابل حاکم مسلمان معنی بغاوت دارد که شرعاً عمل محکوم است.

موضوع تکفیر اهل قبله:

امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله علیه این عقیده را داشت کسیکه مسلمان باشد و به طرف قبله نماز اداء کند و تا وقتیکه از ضروریات اسلام منکر نشده به اثر انجام دادن گناه کافر نمی شود، در حقیقت این اصل را امام ابوحنیفه رحمه الله از احادیث پیامبر علیه السلام استنباط کرده است و از رسول الله صلی الله علیه وسلم در این مورد روایت شده است: (لا نکفر أحداً من أهل القبلة). [کتاب المواقف] ترجمه: ما از اهل قبله هیچ کسی را تکفیر نمی کنیم.

در تکفیر مسلمان کشتن وی نهفته است؛ بخاطر اینکه در یک کسیکه اسلام بطور یقینی ثابت باشد این حالت یقینی به غیر از دلیل قوی یقینی از بین نمی رود.

فراست و ذکاوت امام ابوحنیفه رحمه الله علیه:

اسماعیل بن حماد بن ابی حنیفة رحمه الله میفرماید: یک همسایه آسیابان ما نهایت متعصب رافضی (شیعه) بود که او دو قاطری داشت از روی تعصب نام یکی را ابوبکر مانده بود و نام دیگری را عمر، اتفاقاً یک قاطر شبی صاحب خود را به لگد زد و سر او پاره شده و مرد وقتیکه امام صاحب از این حادثه خبر شد گفت: شما تفتیش و معلومات کنید که این همان قاطری است که نام او را عمر گذاشته است؛ آنها که معلومات کردند همان قاطر زده است، ابن حجر وجه این را اینطور بیان کرده است که حضرت عمر مظهر جلال بود و حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه مظهر جمال. [تبیيض الصحیفة]

یک وقت نزد امام صاحب کسی یک مسئله را آورد که علمای آنوقت آنرا حل کرده نمی توانستند، مسئله این بود که یک زن در زینه طرف بالا به اتاق بالا میشد که ناگهان شوهر او آمد و او را در این حالت دید بسیار قهر و خشمگین شد، در حال خشم برای همسر خود گفت: اگر بالا شدی به سه سنگ طلاق استی! اگر پایان هم شدی نیز به سه سنگ طلاق استی، تدابیر شرعی ضرور است که این زن از طلاق نجات پیدا نکند؛ امام اعظم صاحب فرمودند: که این آسان است که این زن نه بالابروند و نه پائین بیاید، در همانجاییکه است ایستاد باشد چندی از زن ها بروند همراهِ او از زینه باهم پائین شوند و به طریقه آرام او را بگیرند و به زمین بمانند طلاق واقع نمی شود، و مرد هم از این ناحیه نیز مطمئن میشود چرا که زن او در زینه نه بالا میرود و نه پائین شده است.

سخنان محدثین فقهاء و مجتهدین درباره امام اعظم ابوحنیفه رحمة الله عليه :

حارث بن عبدالرحمن میگوید: ما همه طالبان یکی در عقب دیگر بخاطر سماع حدیث نزد امام عطاء بن ابی رباح در مجلس نشسته بودیم، هنگامیکه امام ابوحنیفه رحمة الله عليه به مجلس آمد بخاطر او جای فراخی را آماده کرده بودند او خود را نزدیک کرد در حالیکه امام عطاء بن ابی رباح امام و محدث آن وقت بود؛ شاگرد خود را آنقدر قدر و عزت کرد از این معلوم شده که این شاگرد صاحب کمال بوده است.

امام اعظم ابوحنیفه (رحمة الله عليه) شخصیت بسیار حلیم، خاموش و متفکر بود. (عبدالله بن المبارک)

من از امام ابوحنیفه عالم، پرهیزگارتر ندیدم. (یزید بن هارون)

امام اعظم ابوحنیفه (رحمة الله عليه) در فهم، تقوی، بردباری و زیرکی مانند نداشت (احمد بن حنبل).

امام اعظم ابوحنیفه (رحمة الله عليه) در امت اسلامی اولین عالم بزرگ و مجتهد جاذب بود.

فقه کار امام ابوحنیفه و شاگردان اوست. (یزید بن هارون)

در میدان فقه امام ابوحنیفه به نزد همه یک شخصیت پذیرفته شده است. (امام شافعی)

امام اعظم ابوحنیفه (رحمة الله عليه) برای مسلمانان جهان به اساس شورا مکتب فقهی را به میان آورد.

مثل امام اعظم ابوحنیفه (رحمة الله عليه) وزندگی شخصیت های بزرگ برای ما و نسل های آینده یک الگوی روشن است.

مردم از معرفت فقه خواب بودند تا وقتی که امام ابوحنیفه آنها را بیدار کرد. (نضر بن شمیل)

ما از نظر امام ابوحنیفه بهتر دیگر پیدا نکردیم از این جهت اقوال او را پذیرفتیم. (یحیی بن سعید القطان)

بر مسلمانان لازم است که در نمازها به امام ابوحنیفه دعا کنند. (عبدالله بن داود خربیی)

در باره مقام و مرتبه امام ابوحنیفه این سخن امام شافعی کافی است که میفرماید: (من اراد الفقه فهو عیال علی ابی حنیفة)

[الإنتقاء]

ترجمه:-- کسیکه علم فقه را میخواهد اینها همه عیال امام ابوحنیفه رحمة الله در فقه اند یعنی به او محتاج اند.

امام مالک رحمه الله مفرماید: چنین شخصی را دیدم یعنی امام ابوحنیفه اگر میگفت: این ستون از زر است او را بادلائل ثابت میکرد.

وقال ابن المبارک: أبو حنیفة أفضه الناس. ابن المبارک میگفت: ابوحنیفه دانا ترین مردم بود.

از عبدالله ابن مبارک سوال شد که مالک بسیار دانا است و یا ابوحنیفه؟ او گفت: که ابوحنیفه رحمه الله از همه مردم دانا تر است.

محدث بزرگ یحیی بن معین میفرماید: امام اعظم ثقة است و من از او هیچ روایت ضعیفی را نشنیده ام.

عبدالله بن شبرمه رح میگوید: مادرها از تولد مانند امام صاحب عاجز هستند.

علي بن الجعد رح میفرماید: که به زهیر ابن معاویه یک کسی آمد که من از نزد امام اعظم آمده ام، او برای وی گفت: با او یک روز سپری کردن مانند این است که با من یکماه را سپری کنی.

بعضی محدثین وفقهاء که صفت ومدح امام اعظم صاحب را کرده اند قرارذیل است: مسعر بن کدام رح ، ایوب سختیانی رح، سلمان بن مهران، الاعمش رح، سفیان ثوری رح، مغیره بن مقسم الضبی، یحیی بن سعید القطان رح، ابن جریح مکی، ابو عاصم النبیل رح وغیره .. تعداد اینها به شصت و پنج میرسد که مدح وصفت امام صاحب را کرده اند ودر علم حدیث، قرآن وفقه اورا امام بزرگ وفقیه شمرده اند.

امام ذهبی رح په [العبر فی اخبار من غیر] نوشته کرده است که او در فهم وزکات از همزمانهای خود بسیار عالی بود. عالم نامدار، محدث، در سده دهم علامه جلال الدین سیوطی امام صاحب را در جمله حفاظ حدیث شمار کرده است. خارجه بن مصعب میگوید: من با هزاران علماء دیدار کرده ام که در بین همه آنها سه یا چهار نفر صاحب خرد قوی را پیدا کردم که در جمله آنها امام ابو حنیفه ذکر شده است.

یحیی بن سعید قطان میگوید: من با ابوحنیفه نشستیم ام، از او درس آموخته ام وقتیکه من به چهارمبارک او میدیدم من میدانستم که او از الله تعالی بسیار میترسد. (تاریخ بغداد)

یزید بن هارون میگوید: من کسی را نرم خوی تر از امام ابو حنیفه رح ندیده ام.

معاویه الضریر میگوید: محبت با ابو حنیفه رح از جمله سنت ها است .

امام مسعر رح میگوید : کسیکه امام ابوحنیفه رحمه الله در بین خود والله تعالی واسطه بگرداند، من امید دارم که هیچ ترسی به او نخواهد بود از جهت احتیاط بیشتر امام ابو حنیفه.

منهج وروش امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله علیه:

امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله منهج وروش خود را به قرار ذیل بیان میکند:

من اول به کتاب الله عمل میکنم اگر موضوعی را در کتاب الله پیدا نکردم دلیل آن موضوع را در سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم جستجو میکنم به روایت رویان ثقه و به روایات صحیح عمل میکنم و اگر دلیل آن موضوع را در کتاب الله ودر سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم پیدا نکردم باز به اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم رجوع میکنم، نظریه بعضی صحابه را میگیرم واز برخی آنها را میگذرام از نظر آنها بیرون نمی شوم هنگامیکه به سخنان امام ابراهیم نخعی، شعبی، حسن بصری، ابن سیرین و سعید بن مسیب

برسد که آنها اجتهاد کرده اند من هم اجتهاد میکنم همانگونه که آنها اجتهاد نمودند. [أخبار أبي حنيفة للصيمري]

البته در احادیث امام اعظم رحمه الله از جهت احتیاط زیاد شرائط سختی داشتند. وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ: قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ: لَا يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُحَدِّثَ إِلَّا بِمَا يَحْفَظُهُ مِنْ وَقْتِ مَا سَمِعَهُ. [سير اعلام النبلاء]

امام ابویوسف رحمه الله میگوید که امام ابوحنیفه رحمه الله فرموده: سزا وار این است که شخص احادیثی را بیان نکند مگر اینکه آن حدیث خاص برای او یاد باشد از روز اول.

امام اعظم صاحب از همه بیشتر پیرو احادیث بود؛ امام صاحب در مقابل حدیث ضعیف قیاس را ترک میکرد و همچنان به حدیث ضعیف عمل میکرد و قیاس را ترک مینمود.

امام نصر بن محمد المرزوي میگوید: (لم ار رجلاً لزم للاثر من ابی حنیفة). یعنی امام صاحب هیچ شخص را ندیدم که مانند امام ابوحنیفه رحمه الله علیه در برابر عمل کردن به حدیث ایستادگی میکرد.

از امام طحاوی الحنفی رحمه الله نقل است که امام ابوحنیفه در رابطه به یک مسئله با کسی بحث میکرد و در جریان بحث خاموش شد. (فسکت ابوحنیفه فقال بعض اصحابه لا تجيبه يا اباحنيفة فقال بما اجيبه وهو يحدثني بهذا عن رسول الله؟). [شرح العقيدة الطحاوية]. یعنی امام ابوحنیفه خاموش ماند و برای وی بعضی دوستانش گفتند: که چرا وی را جواب نمی گوئی؟ امام صاحب گفت: آن شخص احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم را برایم بیان نموده و من برایش چه پاسخ بگویم.

در این باره امام ابن تیمیة رح نوشته است: (وَمَنْ ظَنَّ بِأَبِي حَنِيفَةَ أَوْ غَيْرِهِ مِنْ أُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ أَنَّهُمْ يَتَعَمَّدُونَ مُخَالَفَةَ الْحَدِيثِ الصَّحِيحِ لِقِيَاسٍ أَوْ غَيْرِهِ فَقَدْ أَخْطَأَ عَلَيْهِمْ وَتَكَلَّمَ إِمَّا بَظَنٍّ وَإِمَّا بِهَوَى فَهَذَا أَبُو حَنِيفَةَ يَعْمَلُ بِحَدِيثِ التَّوَضُّعِ بِالنَّبِيذِ فِي السَّفَرِ مُخَالَفَةً لِلْقِيَاسِ وَبِحَدِيثِ الْفَهْقَهَةِ فِي الصَّلَاةِ مَعَ مُخَالَفَتِهِ لِلْقِيَاسِ ؛ لِاعْتِقَادِهِ صِحَّتَهُمَا وَإِنْ كَانَ أُمَّةُ الْحَدِيثِ لَمْ يُصَحِّحُوهُمَا) مجموع الفتاوى

ترجمه:- و کسیکه گمان میکند در رابطه به امام ابوحنیفه رحمه الله و یادیگر امامان که قصداً مخالفت از حدیث صحیح در مقابل قیاس یا چیز دیگری در حقیقت اینها در اشتباه رفته اند اینها سخن گفتند از هوا و گمان خود، این ابوحنیفه است که عمل کرده است به حدیث وضو به نبیذ در سفر که این مخالف قیاس است و به حدیث قهقهه در نماز با وجود مخالفت آن از قیاس؛ از خاطر اعتقاد ابوحنیفه به صحت هردو ولو که دیگر ائمه این هر دو حدیث را صحیح نشمرده اند.

علامه ملاعلی القاری در رابطه به مذهب احناف چنین نوشته است: (أن الحديث الضعيف عندنا مقدم على الرأي المجرد) [مراجعة المفاتيح] یعنی حدیث ضعیف در مذهب ما بر قیاس مقدم میباشد.